

## The Causes of Popular Interactions and Conflicts with ISIS in Iraq

**Hossein Fouladi**

Ph.D. Student in International Relations, Shahroud Islamic Azad University, Iran,  
hussein1344@gmail.com

**Ali Mohammadzadeh**

Assistant Professor of Political Science, Shahroud Islamic Azad University, Iran  
(Corresponding Author)a.mohammadzadeh75@gmail.com.

**Ahmad Ashrafi**

Assistant Professor Islamic History, Shahroud Islamic Azad University, Iran,  
a\_ashrafi12@yahoo.com

**Abdolreza Bai**

Assistant Professor of International Relations, Azad Shahr Islamic Azad University, Iran,  
phd\_bay1979@yahoo.com

### Abstract

**Objective:** The purpose of this study is to identify the reasons for the adoption of two conflicting approaches of the Iraqi people (interaction-confrontation) in the face of ISIS through an objective and field study.

**Method:** In this qualitative study, the researcher, using the method of Grounded theory, and by attending places in Iraq where ISIS was active, while communicating and interviewing people, sought to answer this question: What are the causes of interactions and conflicts between Iraqi Sunni Arabs and ISIS?

**Findings:** According to the findings of this study, Sunni Arabs' attachment to power and past privileges and unwillingness to adopt new government conditions and maintain national cohesion based on parliamentary elections, as well as improper Shiite rule over the failed government during the occupation of Iraq, are among the factors of disintegration and growing hatred in Iraq. These factors led to interaction with ISIS. In practice, the ISIL government increased the pressure and restrictions on the people of the occupied territories, and the invasion of family privacy and the threat and injustice against the people provided the ground for confrontation with ISIL. In addition, the intervention of regional and supra-regional countries was influential in the intensity and weakness of this conflicting action.

**Conclusion:** The existence of the conflicting archetype of "Shiites against Sunnis" is involved in intensifying the internal crises of Islamic and Arab countries. Iraq is no exception. In the critical situation in Iraq, the existence of this conflicting archetype turned the central factors of interaction with ISIS in Iraq into a stimulus for causal factors such as hopelessness for the future, hatred of Shiism among some Sunni Arabs, loss of past rule, and so on. The conditions for the intervention of regional and supra-regional powers to gain benefits by influencing the events in Iraq and ethnic, religious and racial rivalries have also potentially delayed the process of nation-building and political stability in Iraq.

**Keywords:** Iraq, ISIS, Conflict, Interaction, Grounded Theory.

**Article Type:** Research

---

\* Political Studies of Islamic World, Summer 2021, Vol.10, NO.2, 189-211

DOI: 10.30479/psiw.2021.14989.2954

Received on 3, February 2021 Accepted on 7 August, 2021

Copyright© 2021, Fouladi, Mohammadzadeh, Ashrafi & Bai

Publisher: Imam Khomeini International University



## علل تعامل و تقابل مردمی با داعش در عراق

حسین فولادی

دانشجوی دکتری روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، شاهرود، ایران،  
hussein1344@gmail.com

علی محمدزاده\*

استادیار گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، شاهرود، ایران، (نویسنده مسئول)  
a.mohammadzadeh75@gmail.com

احمد اشرفی

استادیار گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شاهرود، شاهرود، ایران، a\_ashrafi12@yahoo.com

عبدالرضا بای

استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزاد شهر، آزادشهر، ایران، phd\_bay1979@yahoo.com

### چکیده

**هدف:** هدف این تحقیق، شناسایی علل اتخاذ دو رویکرد متعارض مردم عراق (تعامل- تقابل) در مواجهه با داعش از طریق یک مطالعه عینی و میدانی است.

**روش:** پژوهشگر در این پژوهش کیفی با بهره‌گیری از روش گراندد تئوری، با حضور در مکان‌هایی در عراق که داعش در آنجا فعال بوده، ضمن ارتباط و مصاحبه با مردم در پی پاسخ به این سؤال بوده است: علل تعاملات و تعارضات اعراب سنی‌مذهب عراق با داعش چیست؟

**یافته‌های پژوهش:** بر اساس یافته‌های این پژوهش، دل بستگی اعراب سنی به اقتدار و امتیازات گذشته و عدم تمایل به پذیرش شرایط حکومت جدید و حفظ انسجام ملی بر اساس انتخابات پارلمانی و همچنین حکمرانی نامناسب شیعیان بر دولت شکست خورده در دوران اشغال عراق از عوامل گسستگی و نفرت روزافزون در عراق بود که این عوامل تعامل با داعش را سبب گردید. در عمل، حکومت داعش فشار و محدودیت‌ها را بر مردم سرزمین‌های اشغالی افزایش داد و تعرض به حریم خصوصی خانواده‌ها و تهدید و بی‌عدالتی نسبت به مردم، زمینه را برای تقابل با داعش فراهم ساخت. به علاوه، مداخله کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در شدت و ضعف این کنش متعارض تأثیرگذار بود.

**نتیجه‌گیری:** وجود کهن‌الگوی متعارض «شیعه در برابر سنی» در تشدید بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی و عربی دخیل است. عراق هم از این قاعده مستثنی نیست. در شرایط بحرانی حاکم بر عراق، وجود این کهن‌الگوی متعارض، عوامل محوری تعامل با داعش در عراق را به محرکی برای عوامل علی چون ناامیدی به آینده، نفرت از تشیع نزد بخشی از اعراب سنی، از دست رفتن موقعیت حکمرانی گذشته و ... تبدیل کرد. شرایط مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای کسب منافع از طریق تأثیرگذاری بر حوادث عراق و رقابت‌های قومی و مذهبی و نژادی نیز فرایند دولت‌ملت‌سازی و ثبات سیاسی را به‌طور بالقوه در عراق به تأخیر انداخته است.

**واژگان کلیدی:** عراق، داعش، تعارض، تعامل، گراندد تئوری.

نوع مقاله: پژوهشی

\* مطالعات سیاسی جهان اسلام، تابستان ۱۴۰۰، دوره ۱۰، شماره ۲، پیاپی ۳۸، ۱۸۹-۲۱۱

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۱/۱۵ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۵/۱۶



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

## مقدمه

اتفاقاتی که برای مردم عراق طی قرن گذشته رخ داده، از نظر سیاسی و اجتماعی تأمل‌برانگیز است. بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی، سیاست انگلستان برای اداره عراق، انتخاب حکومت سلطنتی به پادشاهی فردی خارج از این کشور بود. این سنت استعماری وقت بود که به صورت مستقیم یا از طریق قیمومیت یا از طریق تبانی با خاندان و قبایل پرنفوذ، دولت‌های بی‌ریشه و وابسته را ایجاد کرد (سردارنیا، ۱۳۹۸: ۱۰۲). این اقدام، آغازی بود بر حکومت‌های بدون انتخابات مردمی در عراق که با کودتاها و نظامی عبدالکریم قاسم و برادران عارف و حسن البکر ادامه پیدا کرد و با به قدرت رسیدن صدام حسین در ۱۹۷۹ وارد مرحله جدیدی از شرایط سخت گردیدند. این شرایط سخت برای مردم عراق با شروع جنگ هشت‌ساله با ایران تشدید شد که حتی با اتمام جنگ در ۱۹۸۸ هم پایان نیافت؛ زیرا حمله عراق به کویت در ۱۹۹۰ و متعاقب آن حمله آمریکا به نیروهای عراقی در ۱۹۹۱ و رژیم تحریمی بسیار سخت سیزده‌ساله، شرایط اقتصادی و سیاسی سخت‌تر و استبداد شدیدتری را به آن‌ها تحمیل کرد.

ساختار سیاسی عراق، تحت تأثیر اشغال این کشور توسط آمریکا در سال ۲۰۰۳، خیزش‌های عربی سال ۲۰۱۱ و ورود داعش در سال ۲۰۱۴ از نظر سیاسی ثبات پیدا نکرد. چگونگی توزیع قدرت بین شیعیان، اهل سنت و مسأله خودمختاری اقلیم کردستان نیز از عوامل مهمی بودند که دامنه تحولات را بیش از پیش گسترده‌تر و تا حدود زیادی پیچیده‌تر نمود. در شرایط حاکمیت دولت شکننده بر عراق طی سال‌های مذکور، نیروهای بنیادگرای مذهبی تحت عنوان دولت اسلامی عراق و شام (داعش) با رویکردی سلفی - جهادی و مجهز به سلاح‌های مدرن، به سرعت توانست پس از تصرف استان نینوا، شهر موصل، استان صلاح‌الدین، بخش وسیعی از استان الانبار، حمله به اقلیم کردستان و تهدید بغداد، بخش وسیعی از عراق را اشغال و جهانیان را در حاله‌ای از تعجب و وحشت قرار دهد. با این وجود، برخی از نیروها و مردم عراق، شیوه تعامل با داعش را در پیش گرفتند و برخی دیگر از مردم و گروه‌های سیاسی به مقابله با آن پرداختند. با فضایی که ترسیم گردید، این تحقیق به دنبال پاسخگویی به این رفتار متناقض عراقی‌ها است. بنابراین، پرسش: علل تعاملات و تعارضات مردمی با داعش در عراق چیست؟ را از طریق یک تحقیق میدانی به پژوهش گرفته است. در این تحقیق، بعد از مقدمه، روش و پیشینه تحقیق ارائه می‌شود. سپس اشاره‌ای کوتاه به تحولات عراق در فاصله سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷ می‌شود و در نهایت، یافته‌های پژوهش و نتایج آن تحلیل می‌شود.

## ۱- روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش اجرا، کیفی از نوع گراند تئوری<sup>۱</sup> می‌باشد. نظریه داده‌بنیاد در واقع روشی است کیفی برای ساخت نظریه‌ای که مبتنی بر واقعیات و داده‌ها باشد (منصوریان، ۱۳۸۹: ۸). به تعبیر دیگر، نظریه داده‌بنیاد، یک روش پژوهش استقرایی و اکتشافی است که به پژوهشگران در حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد تا بجای اتکا به تئوری‌های موجود و از پیش تعریف شده، خود به تدوین تئوری اقدام کنند. تحلیل داده‌هایی که به منظور تکوین نظریه گردآوری می‌شوند، با استفاده از رمزگذاری نظریه انجام می‌شود. در این شیوه، ابتدا رمزهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص می‌یابد. این رمزها، در قالب مفهوم تعیین می‌شوند که آن را «رمزگذاری باز» می‌نامند. سپس پژوهشگر با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت این مقوله‌ها و یافتن پیوندهای میان آن‌ها به «رمزگذاری محوری» اقدام می‌کند. لازم به ذکر است که در جریان این رمزگذاری‌ها، پژوهشگر با استفاده از نمونه‌گیری نظریه و با توجه به مفاهیم پدیدار شده از دل داده‌ها، به گردآوری داده‌ها در مورد افراد، رخدادها و موقعیت‌های مختلفی می‌پردازد که تصویر غنی‌تری از مفاهیم و مقوله‌های حاصل فراهم خواهند کرد. سرانجام، با «رمزگذاری انتخابی» مقوله‌ها پالایش می‌شوند و با طی این فرایندها، در نهایت چارچوبی نظری پدیدار می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۳۸۷: ۸۵). ابزارهای گردآوری اطلاعات در این روش عبارتند از: عکاسی، فیلم‌برداری و مشاهده هدفمند و مصاحبه (ساختاریافته، نیمه ساختاریافته و باز) که بنا به مقتضیات تحقیق از آن استفاده خواهد شد (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۹۱).

یکی از روش‌های مورد کاربرد در گراند تئوری، روش نمونه‌گیری گلوله برفی که به آن روش شبکه‌ای یا زنجیره‌ای نیز می‌گویند. این روش، در مواردی که دسترسی به افرادی که دارای ویژگی‌های مورد نظر محقق می‌باشند، مشکل است مورد استفاده قرار گیرد. در این روش، ابتدا یک یا چند نفر با ویژگی‌های مورد نظر انتخاب می‌شوند و سپس از آنان درخواست می‌گردد تا افرادی را که دارای ویژگی‌های مشابه با آنان باشند، به محقق معرفی نمایند. نمونه‌گیری تا وقتی که نمونه‌ها به حد مورد نظر برسد، ادامه دارد (نادری‌فر، گلی، قلیجانی، ۱۳۹۶: ۳).

دلیل انتخاب روش گراند تئوری برای پژوهش این است که در این پژوهش، محقق به دنبال بررسی دقیق اتفاقات و افرادی که آن‌ها را انجام داده‌اند و دلیل انجام آن‌ها، توضیح و تشریح دقیق زمینه‌ها، کنش‌ها و عملکردها و همچنین توجه همزمان به باورها و کلمات و گفته‌ها و یافتن راه‌هایی برای تفسیر این داده‌ها و در نهایت، ارائه نظریه‌ای برگرفته از این داده‌ها بوده است. محقق در پژوهش حاضر، علل تعاملات و تعارضات مردمی با داعش را از طریق

1. Grounded Theory

مصاحبه با مردم اهل سنت عرب ساکن منطقه موسوم به مثلث سنی و همچنین شهرهای موصل و تلعفر در کشور عراق که تحت تأثیر اقدامات داعش بودند، بررسی نمود و در پایان تحقیق، نظریه‌ای را برگرفته از این مشاهدات و مصاحبه‌ها ارائه می‌دهد.

### ۱-۱. جامعه آماری و جامعه نمونه و شیوه جمع آوری داده‌ها

قلمرو جامعه آماری پژوهش مردم اهل سنت عرب ساکن منطقه، موسوم به مثلث سنی و همچنین شهرهای موصل و تلعفر در کشور عراق که تحت تأثیر اقدامات داعش قرار گرفته‌اند، بوده است. انتخاب نمونه‌ها: به روش گلوله برفی و مصاحبه با مردان ۲۱ تا ۶۶ ساله و اهل سنت ساکن در مناطق مذکور که خود شاهد رفتار و عملکرد داعش بوده و احیاناً در مواقعی همکاری، مقابله و یا سیاست بی‌طرفی را اتخاذ کرده‌اند و همچنین مصاحبه با بانوان ۳۹ تا ۵۷ ساله که اعضای خانواده آن‌ها، توسط داعش به قتل رسیده‌اند و همچنین اسیران داعش و تعدادی از خانواده‌های اهل سنتی که از ترس داعش، متواری و ترک دیار نموده و در مناطق امن اسکان داده شده‌اند. ابزارهای گردآوری اطلاعات در این پژوهش؛ عبارتند از مشاهده هدفمند و مصاحبه که بنا به مقتضیات تحقیق از آن استفاده شد. در این پژوهش، از مصاحبه نیمه ساختاریافته جهت گردآوری اطلاعات استفاده می‌شود. مصاحبه در دو بخش انجام شده است. الف) در بخش مصاحبه، با متخصصان حوزه علوم سیاسی و اجتماعی: جامعه آماری شامل؛ متخصصان علوم سیاسی و اجتماعی دارای مدرک فوق لیسانس به بالا در گرایش‌های رشته‌های علوم سیاسی و اجتماعی شاغل در دانشگاه، همچنین اصحاب رسانه در کشور عراق با سابقه تدریس و پژوهش مرتبط با موضوع می‌باشند. در این بخش، با تعداد ۸ نفر از اساتید دانشگاه بغداد و اساتید جامعه اسلامی بغداد و همچنین با ۲ نفر از کارشناسان رسانه در شبکه تلویزیونی البلادی عراق مصاحبه شد.

ب) در بخش مصاحبه با مردم اهل سنت عراق: جامعه آماری؛ شامل کلیه مردم اهل سنت عرب عراق ساکن در مثلث سنی (محدوده الرمادی در غرب، بعقوبه در شرق و تکریت در شمال) را شامل می‌گردید. توضیح این که با اهالی ساکن در شهرهای موصل (پس از اشغال) و تلعفر و توزخورماتو، خارج از شهرهای مثلث سنی نیز مصاحبه گردید. پژوهش طی سال‌های ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ انجام گردیده است. با توجه به حساسیت موضوع، برای انتخاب افراد جهت مصاحبه از روش گلوله برفی استفاده شده است و با تعداد ۳۱ نفر از اعراب مرد سنی‌مذهب متأهل و مجرد و ۸ نفر از زنان بیوه و خانه‌دار ساکن مناطق مذکور مصاحبه شد.

۱-۲. اعتباریابی داده‌ها: به منظور صحت و اعتبار داده‌های پژوهش، از چهار شاخص اعتبار<sup>۱</sup> (گابا و لینکلن<sup>۲</sup> ۱۹۸۹، به نقل از محمدپور، ۱۳۸۸) استفاده شد. این چهار شاخص

1. Truth Worthiness

2. Guba & Lincoln

عبارتند از: ۱) قابلیت اعتبار، ۲) قابلیت تصدیق، ۳) قابلیت کفایت<sup>۳</sup> و ۴) قابلیت تعمیم<sup>۴</sup>. بر این اساس، برای تضمین قابلیت اعتبار یا صحت داده‌ها، پس از تجزیه و تحلیل هر مصاحبه، مجدداً صحت و سقم مطالب تأیید و تغییرات لازم اعمال گردید. جهت تضمین قابلیت تصدیق، سعی بر آن شد که پژوهشگر پیش‌فرض‌های پیشین خود را تا حد امکان در فرایند جمع‌آوری اطلاعات دخالت ندهد. قابلیت تصدیق به اتخاذ دیدگاه عینی از طرف پژوهشگر و پرهیز از سوگیری اشاره دارد. در این راستا، همه داده‌ها می‌بایست قابل ردیابی در منبع اولیه باشند و مفاهیم ایجاد شده توسط پژوهشگر به راحتی قابل ردیابی در داده‌ها باشد. بر این اساس سعی شد، همه داده‌ها شخصاً توسط پژوهشگر بر روی کاغذ پیاده شوند و همه مفاهیم و موضوعات برداشت شده توسط پژوهشگر به بخش‌های مشخص از این داده‌ها مرتبط و تأیید پذیرند. جهت تضمین قابلیت اطمینان و کفایت روند تحلیل اطلاعات و فرایند تصمیم‌گیری در مطالعه حاضر، فرایند کار به صورت تیمی و با مشورت صاحب‌نظران صورت گرفت. جهت افزایش قابلیت تعمیم و انتقال به موقعیت‌های دیگر، سعی شد از لایه‌های مختلف جمعیتی و شرکت‌کنندگان متعلق به طبقات مختلف اقتصادی - اجتماعی استفاده شود.

## ۲- پیشینه تحقیق

تودنهوفر (۱۳۹۴) در کتاب «ده روز با داعش»، ضمن روایت سفرنامه مصور خود به شهرهای تحت کنترل داعش در سوریه و عراق، اطلاعات بسیار خوب و مفیدی را در اختیار محققین قرار می‌دهد. از آنجا که نحوه تعامل نامبرده با مردم در این مدت کنترل شده بود و از طرفی، جنگجویان خارجی داعش بیشتر مورد توجه نویسنده بوده، نمی‌تواند اهداف پژوهش حاضر را بدست آورد، ولی در جهت اعتبارسنجی بعضی موارد توسط محقق مورد استفاده قرار گرفت.

ابوبکر علی (۱۳۹۵) در کتاب «داعش؛ برآیند افراط‌گرایی دینی و شکست دولت»، ضمن بررسی جامع علل ظهور و رشد داعش در عرصه عراق و سوریه و تحلیل عوامل ساختاری درون‌گروهی آن، نقش دولت‌های همسایه و افسران بعثی در پیشرفت داعش را بررسی و به تحلیل و نقد منابع فکری داعش پرداخته است. نویسنده سنی‌مذهب کتاب، بیشتر به مسائل درون‌گروهی و ساختارهای دولتی پرداخته که با موضوع این پژوهش فاصله دارد.

محمد الفاهم یا ابوزکریا (۱۳۹۶) در کتاب «من در رقه بودم» به سرگذشت خود به‌عنوان یک عضو تونسی داعش پرداخته است. بیشتر مطالب کتاب، حاوی حوادثی است که برای این عضو جدا شده از داعش در سوریه و ترکیه و بخشی هم در عراق می‌گذرد و برای درک روابط

1. Credibility
2. Conformability
3. Dependability
4. Transferability

درون‌سازمانی داعش و دیدگاه‌های اعضای خارجی این سازمان مفید است، اما این کتاب به مسائل مردم عراق پرداخته است.

پیرانی (۱۳۹۸) در مقاله «محرومیت و فرسایش حاکمیت ملی در جامعه اسلامی عراق» ضمن استفاده از مفهوم محرومیت نسبی به‌عنوان چهارچوب نظری، تنها به اشکال مختلف محرومیت‌های ایجاد شده، برای اهل سنت عرب عراق به‌واسطه اشغال آن توسط آمریکا و عملکرد دولت‌های شیعه اشاره کرده است.

نیاکوئی (۱۳۹۴) به «علل گسترش جریان‌های تکفیری در عراق و سوریه» پرداخته و مسأله را در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بررسی و در سطح ملی تنها دو عامل فرقه‌گرایی و بحران دموکراسی را دخیل دانسته است که به نظر می‌رسد عوامل دیگری؛ همچون فقر اقتصادی، محرومیت جوانان و همچنین عملکرد سوء برخی رسانه‌ها و شخصیت‌های شیعه علیه اعتقادات و مقدسات اهل سنت و اجرا نشدن احکام شریعت اسلامی را هم می‌توان بررسی کرد که در تحلیل دیده نشده است. زارعان (۱۳۹۴) در مقاله خود با عنوان «بررسی عوامل گرایش جوانان کشورهای اسلامی به داعش» به چرایی پیوستن جوانان کشورهای اسلامی به داعش پرداخته و ضمن توزیع پرسشنامه در بین متخصصان ایرانی و خارجی در دسترس، ۵ عامل را به‌عنوان عوامل اصلی معرفی کرده است که به نظر می‌رسد، اگر به نحوی جامعه هدف؛ یعنی جوانان متصل به داعش، مورد نظرسنجی قرار می‌گرفتند، نتیجه بدست آمده مستندتر می‌شد. ضمناً در این پژوهش، به عوامل واگرایی بعضی از افراد از داعش اشاره نشده است.

مؤسسه افکارسنجی الوطن در بغداد، در یک مطالعه میدانی که در رابطه با تحولات عراق در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ انجام داده، به این نتیجه رسیده است که علل ورود جنگجویان داعشی به عراق، ۴۹ درصد توطئه کشورهای منطقه، ۲۸ درصد سوء مدیریت نهادهای امنیتی و ۲۱ درصد خیانت نیروهای مسلح بوده است. این تحقیق، علت اصلی تمرکز استحکامات داعش و النصره در عراق و سوریه را انگیزه و امیال دول منطقه‌ای می‌داند و عناصر داخلی موافق داعش و اقوام و طوایف را در درجه بعدی می‌داند. همین‌طور، ترویج تروریسم در عراق و سوریه را بیشتر از همه به نفع حاکمان قومی و طایفه‌ای و در درجه بعد، اسرائیل و سپس ابرقدرت‌ها به‌منظور سیطره بر منابع اقتصادی منطقه ارزیابی کرده است (مرکز الوطن لاستطلاع الراي العام، ۲۰۱۵: ۱۴-۵۰) اشکال اساسی این تحقیق این است که در بررسی علل ورود داعش و استقرار آن در عراق و سوریه، با آنکه کشورهای منطقه را علل اصلی می‌داند، ولی از کشور خاصی و میزان دخالت آن‌ها در عراق نام نمی‌برد.

با مطالعه آثار پیشین و مشابهی که در رابطه با جریان تروریستی - تکفیری داعش انجام شده، می‌توان به این نتیجه رسید که تقریباً تمامی پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه، به مسائل مربوط به مبانی فکری و ایدئولوژی گروه‌های تکفیری و نحوه دخالت قدرت‌های خارجی در ایجاد آن‌ها پرداخته و پژوهشی به انگیزه‌های همراهی و تعامل اعراب سنی‌مذهب

عراق با داعش و علل تقابل برخی دیگر از همین مردم با داعش نپرداخته است. بنابراین، خلأ پژوهشی جدی در بررسی علل داخلی گسترش داعش به واسطه حمایت‌های مردمی و همچنین علل تعارضات مردمی با داعش در بستر عراق وجود دارد که این پژوهش، در پی رفع این نقیصه است و از این منظر با سایر پژوهش‌های مرتبط با پدیده داعش متفاوت است.

### ۳- عوامل عمده مؤثر بر تحولات عراق در فاصله ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۷

#### ۳-۱. اشغال عراق توسط آمریکا و تحولات سیاسی پس آن در عراق

تجاوز و اشغال عراق به رهبری ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۳ - زمانی که آمریکا به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی و ارتباط با القاعده به عراق حمله کرد - وارد مرحله حادثی گردید. نومحافظه‌کاران با انتخاب عراق برای نقطه شروع، دکترین تغییر رژیم و انقلاب دموکراتیک در غرب آسیا را آغاز کردند (اسمیرنوو، ۱۳۸۷: ۳۲). با توجه به تلفات چندین هزار نفری آمریکایی‌ها، مرگ حداقل ده‌ها هزار عراقی و گزارش‌های روزانه‌ای که نمایانگر سقوط عراق به ورطه آشوب و مصیبت بود (گوردن، ۱۳۹۲: ۱۷). نداشتن برنامه برای اداره کشور پس از اشغال که بر رویکرد تخریب سازنده مبتنی بود، موجب شد آمریکایی‌ها با هر پدیده‌ای، منفعلانه برخورد کنند. پیروزی در عراق، ساده، ارزان و سریع بدست آمد و آن‌ها فکر نمی‌کردند تهدیدی قوی‌تر از صدام در عراق بتواند در مقابلشان اعلام وجود کند.

سرنگونی و سپس دستگیری و اعدام صدام حسین باعث شد که مردم عراق (شیعیان و بخشی از اهل سنت)، مشکلات عراق را حل شده پنداشته و حضور و دخالت‌های کشورهای ائتلاف غربی را تنها مشکل باقی مانده عراق، تلقی و جنگ و مخالفت با متجاوزین و اشغال‌گران را در دستور کار خود قرار دهند، اما فروپاشی اقتدار سابق و هرج و مرج پس از اشغال، بستر مناسبی را برای رشد و تکثیر بنیادگرایی مذهبی، قومی و حتی نژادی فراهم آورد که منجر به ایجاد کلافی سردرگم و پیچیده از خشونت و کشتارهای وسیع و کم‌سابقه گردیده است. با خروج سربازان آمریکایی در سال ۲۰۱۱، مشکلات عراق حل نشد و کشور کماکان با مشکلات اجتماعی، امنیتی و اقتصادی زیادی دست به گریبان بود. حکومت‌های برآمده پس از فروپاشی رژیم صدام نیز از مشکلات درونی و ساختاری در امان نبودند؛ مثلاً ضعف توافق و سازگاری سیاسی بین نخست‌وزیر و وزیر خارجه به‌ویژه بین حیدر العبادی به‌عنوان نخست‌وزیر و ابراهیم جعفری وزیر خارجه و همین‌طور استمرار نزاع بین دولت مرکزی و اقلیم کردستان بر سر صلاحیت دستورات و فرمان‌های دولت مرکزی، از دیگر مسائل داخلی بودند که در سیاست خارجی عراق نیز تأثیر گذار بود (عبدالمیر محسن، ۲۰۱۵: ۶-۷). آنچه در این بین، شرایط را سخت‌تر کرد، ظاهر شدن گروه سلفی تکفیری با خشونت و قدرتی بسیار، تحت عنوان دولت اسلامی عراق و شام (داعش) بود که به‌سرعت بخش‌های زیادی از شمال و غرب عراق را به اشغال خود درآوردند.



## ۳-۲. تجاوز داعش و اشغال بخشی از کشور عراق

قبل از تجاوز داعش به عراق، زرقاوی، رهبر القاعده در عراق، شیعیان را «مهم‌ترین دشمن» معرفی کرد و مقابله با آنان را حتی بر مبارزه با «صلیبی‌ها» ترجیح می‌داد: «دشمنان ما چهار گروه‌اند: آمریکایی‌ها، کردها، وابستگان دولت عراق و شیعیان. از نظر ما، گروه اخیر کلید تحولات سیاسی عراق است. به این معنا که اگر ما عمق دینی، سیاسی و نظامی آن‌ها را مورد هدف قرار دهیم، آن‌ها نیز تحریک می‌شوند و خوی وحشی‌گری خود را به اهل سنت نشان می‌دهند. اگر در این طرح موفق شویم، می‌توان گفت توانسته‌ایم اهل سنت غافل را نسبت به این گروه، آگاه کنیم (الزرقاوی، ۱۴۲۷ ق: ۲۱۲ - ۲۱۴). این اقدام زرقاوی، زمینه را برای پذیرش داعش در نزد برخی اعراب سنی فراهم ساخته بود.

داعش پدیده‌ای نظامی و سلفی جهادی نو، بعد از بازتعریف خود در تاریخ ۲۰۱۴/۰۶/۱۰؛ یعنی پس از تصرف استان نینوا و شهر موصل و بعد از آن، استان صلاح‌الدین عراق و بخش وسیعی از استان الانبار، تهدید بغداد و حمله به اقلیم کردستان، همه را به تعجب واداشت؛ حتی آن‌هایی که از این امر مطلع بودند و برگشت داعش به عراق را به عنوان بخشی از نقشه کشمکش در عراق پذیرفته بودند. آن‌هایی که از اعتراضات مردم سنی عراق، طی دو سال قبل از آن به‌عنوان کارت‌های بازی قدرت در مقابل دولت استفاده کرده بودند و روند قدرت‌گیری و شکل‌گیری داعش را در این راستا لازم و مطلوب می‌دانستند. از رقم خوردن اتفاقات بزرگ در زمان کوتاه و با تبعات زیاد به این شکل راضی نبودند؛ یعنی قرار نبود داعش با آن حجم از نیرو به یکی از نیروهای برتر و تنها قدرت بدل گردد و دیگرانی خارج از سایه آن، در محدوده مناطقی که تصرف کرده است، وجود نداشته باشند و بدین گونه این نیروی مسلح تندرو، بزرگترین نماد این مرحله شود (ابوبکر علی، ۱۳۹۵: ۲۳).

شواهد زیادی، بیانگر این مطلب است که داعش، قدرت عملیاتی، فرماندهی و تاکتیکی خود را از دو منبع بدست می‌آورد. اولین منبع، احکام شرعی بود که در اندیشه‌های ابن تیمیه ریشه دارد و توسط محمدابن عبدالوهاب به ایدئولوژی سلفی تکفیری مدرن تبدیل شد و داعش، خشونت خود را با این استدلال که تمام اعمالش برای احیای اسلام، بازگشت به اسلام ناب و احیای مجدد عظمت مؤمنان با اجرای فرمان الهی است، توجیه می‌کند. دومین منبع، استفاده از متخصصین نظامی و شبکه‌های بعثی جدید است که به داعش پیوسته‌اند. بعثی‌گرایی، در اساس خودش به دنبال احیای نژاد عرب و نجات از فساد و استعمار است؛ گرچه حزب بعث، یک جنبش سکولار بود، ولی پیشروی اسلام توسط تنورسین‌های بعثی به‌عنوان شاهدهی بر عظمت فرهنگ عربی و قدرت فکری مردم عرب در نظر گرفته می‌شود (Barrett, 2014: 18-19). از طرفی بعثی‌های همکار داعش، قرار بود از ریل داعش تا جایی استفاده کنند که در مسیر به مقصد خودشان منتهی می‌شد و آن مقصد، مقابله با متجاوزین آمریکایی و گرفتن انتقام از قاتلین

صدام حسین؛ یعنی دولت شیعه و مردم شیعه عراق بود که غاصبین حکومت بعثی در عراق بودند.

#### ۴- یافته‌های پژوهش

در ابتدا بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته ۵۰ مقوله استخراج شده است: تطمیع‌سازی. عدم تجهیز به سلاح. ناامیدی و عدم آگاهی مردم. ارباب مردم توسط داعش. رفتار محبت‌آمیز داعشی در بدو ورود و رفع نیاز مردم. تطمیع و تهدید شیوخ عشایر توسط داعش. رعایت عدالت قضایی در محاکم داعش. تحریک مردم توسط علما و بزرگان سیاسی. مقصر دانستن برخی مسئولان شیعه و سنی. بی‌اعتمادی به داعش در جوانب مختلف از جمله دینی (دورنگی داعش‌ها). ازدواج اجباری دختران با داعشیان و تجاوز به زنان عرب غیرسنی. فتنه‌اندازی و جوسازی توسط داعش. سوءاستفاده از خصائل اخلاقی مردم در تعامل با داعش. فشار و اذیت کارکنان دولت. وجود نمایندگان خائن به مردم در دولت و در بین نظامیان عراقی. ایجاد فرصت برخلاف دولت شیعی عراق. وجود تفرقه و تنفر بین شیعه و سنی. نقش بازیگران خارجی. استفاده بعثی‌ها از داعشی‌ها جهت براندازی حکومت. فقدان نماینده جهت راهنمایی مردم. فتوای مراجع مذهبی در تقابل با داعش. فشارهای دولت و مسئولین نظامی بر مردم. بی‌مهری دولت عراق به اهل سنت و شیعه. تنفر و عدم اعتماد مردم نسبت به سیاستمداران (و دولت عراق) و نظامیان عراقی. تحریک علما و سیاستمداران در تفرقه‌اندازی بین شیعه و سنی. تبعیض بین مردم توسط داعش. عدم برخورد جدی دولت با افراد خاطی و نظامیان مفسد. عدم حمایت دولت از مردم در برابر داعش. احساس هم اعتقاد بودن مردم با داعش. اتحاد شیعه و سنی در تقابل با داعش. شرایط نابسامان و فشارهای وارده به مردم، پس از ورود داعش. تفکر بهبود وضع زندگی با وجود داعش. ناراحتی مردم از ورود جنگ به مناطق مسکونی و حریم شخصی‌شان. ترس از تسلط شیعه بر منطقه. همکاری با داعش. جنگ با داعش. فرار از داعش. مدارا- فرار. دستیابی شیعه به حکومت پس از درگیری‌ها. آواره شدن مردم و رؤسای عشایر (همراه داعش یا بدون داعش) پس از فرار داعش. عدم اجازه مردم به بازگشت به منازل و مزارع. خالی ماندن مناطق مسکونی (مردم همکار داعش). نابودی منازل مردم و اقتصاد عراق. عدم ایجاد صلح و دوستی بین شیعه و سنی در آینده. عدم اعتماد به دولت عراق برای بهبود شرایط. درخواست گرامت و شروط‌گذاری برای مردم همکار داعش. ایجاد تفکر مبارزه نرم با گروه‌های تکفیری. ابراز ندامت مردم (همکاری با داعش و تنها گذاشتن داعش). تمایل مردم به پیروزی دولت در عراق و ایجاد آرامش. (به استناد دست‌آورد‌های پژوهش محقق حاضر در عراق)

در این قسمت، یافته‌های عمده پژوهش در قالب مفاهیم، کدها، مقوله‌های عمده به تفکیک ارائه شدند. سپس در قالب مدل‌های زمینه‌ای خاص خود نمایش داده شدند.

در نگاهی کلی، هدف این بخش از نوشتار، ارائه یک مدل تلفیقی، همگرا و دارای سطح انتزاعی بالاتر است. به این ترتیب که کوشش می‌شود، جنبه‌های گوناگون فرآیند شکل‌گیری تعاملات و تعارضات با گروه داعش که ابتدا در قالب مقوله‌های عمده و محوری ارائه شده بودند، مجدداً ترکیب شود. برای نیل به این هدف باید تمامی مقوله‌های عمده بر حسب جنبه‌های شرایطی، تعاملی و پیامدی با همدیگر تلفیق شده و یک مدل انتزاعی و عمومی‌تر که بیانگر پرسش اصلی پژوهش است، استخراج گردد. در جدول ذیل کوشش شده است، تا مقوله‌های عمده پژوهش را به سطح انتزاعی بالاتر ارتقا دهیم. به این معنا که از آنجایی که مقوله‌های عمده دارای تشابهات معنایی و مفهومی قابل توجهی بودند، لذا مجدداً مقوله‌های عمده را در قالب چند مقوله کلی‌تر، تحلیلی‌تر و انتزاعی‌تر خلاصه کرده و آن‌ها را بر اساس سه وجه شرایطی، تعاملی، فرآیندی و پیامدی بازسازی نماییم. در اینجا، از طبقه‌بندی و انتزاع مجدد مقوله‌های عمده، مقوله‌های عمده دیگر به دست آمده است. در جدول ۱، مقوله‌های شرایطی، تعاملی و پیامدی ارائه شده‌اند.

جدول (۱): کدبندی مقولات عمده بدست آمده از مصاحبه‌ها

کدبندی مقولات عمده به تفکیک		
ردیف	مقوله‌های عمده	مقوله‌های عمده نهایی
		نوع مقوله
۱	تطمیع‌سازی	مقوله علی
۲	عدم تجهیز مردم به سلاح	
۳	ناامیدی و عدم آگاهی مردم	
۴	حس هم‌اعتقاد بودن مردم و داعش	
۵	عدم برخورد جدی دولت با افراد خاطی و نظامیان مفسد	
۶	عدم حمایت دولت از مردم در برابر داعش	
۷	تفکر بهبود وضع زندگی با وجود داعش	
۸	تهدید و ارعاب مردم از سوی داعش	
۹	تحریک مردم توسط علما و بزرگان سیاسی	
۱۰	مقصر دانستن برخی مسئولان شیعی و سنی	
۱۱	فتنه‌اندازی و جوسازی توسط داعش	
۱۲	سوءاستفاده از خصائل اخلاقی مردم در تعامل با داعش	
۱۳	وجود نمایندگان خائن به مردم در دولت و در بین نظامیان عراقی	
۱۴	ایجاد فرصت برای سنی‌ها برخلاف دولت شیعی عراق	
۱۵	تطمیع و تهدید شیوخ عشایر توسط داعش	
۱۶	تبعیض بین مردم توسط داعش	
۱۷	ازدواج اجباری داعشیان با دختران و تجاوز به زنان عرب غیر سنی	
۱۸	فشار و اذیت کارکنان دولت	
۱۹	ناراحتی مردم از ورود جنگ به مناطق مسکونی و حریم شخصی-شان	
۲۰	فتوای مراجع مذهبی در تقابل با داعش	عوامل بسترساز تعارض با داعش
۲۱	نقش بازیگر خارجی	
۲۲	نقش بازیگران خارجی	عوامل بسترساز تعامل با داعش
۲۳	استفاده یعنی‌ها از داعشی‌ها جهت براندازی حکومت	
۲۴	فقدان نماینده جهت راهنمایی مردم	
۲۵	وجود تفرقه و تنفر بین شیعه و سنی	
۲۶	فشارهای دولت و مسئولین نظامی بر مردم	

		بی‌مهری دولت عراق به اهل سنت	۲۷
		تتفر و عدم اعتماد مردم نسبت به سیاستمداران، دولت عراق و نظامیان	۲۸
		تحریک علما و سیاستمداران در تفرقه اندازی بین شیعه و سنی	۲۹
	شرایط مداخله‌گر تعارض با داعش	بی‌اعتمادی به داعش در جوانب مختلف از جمله دینی (دورنگی داعش)	۳۰
شرایط مداخله‌گر	شرایط مداخله‌گر تعامل با داعش	اتحاد شیعه و سنی در تقابل با داعش	۳۱
		رعایت عدالت قضایی در محاکم داعش	۳۲
		رفتار محبت‌آمیز داعشی در بدو ورود و رفع نیاز مردم	۳۳
	راهبرد مصالحه جویانه	همکاری با داعش	۳۴
	راهبرد نهاجمی	جنگ با داعش	۳۵
	راهبرد اجتناب	فرار از داعش	۳۶
	راهبرد محافظه‌کارانه	مدارا- فرار	۳۷
عامل محوری	عامل محوری تعامل با داعش	ترس از تسلط شیعه و ایران بر منطقه	۳۸
	عامل محوری تعارض با داعش	شرایط نابسامان و فشارهای وارده به مردم پس از ورود داعش	۳۹
		استحکام حکومت شیعیان پس از درگیری‌ها	۴۰
		آواره شدن مردم و رؤسای عشایر (همراه داعش یا بدون داعش) پس از فرار داعش	۴۱
		عدم اجازه به مردم برای بازگشت به منازل و مزارع	۴۲
		خالی ماندن مناطق مسکونی (مردم همکار داعش)	۴۳
		نابودی منازل مردم و اقتصاد عراق	۴۴
	پیامدها	عدم ایجاد صلح و دوستی بین شیعه و سنی در آینده	۴۵
		عدم اعتماد به دولت عراق برای بهبود شرایط	۴۶
		درخواست غرامت و شرط گذاری برای مردم همکار داعش	۴۷
		ایجاد تفکر مبارزه نرم با گروه‌های تکفیری	۴۸
		ایزاز ندامت مردم (عده‌ای برای همکاری با داعش و عده ای برای تنها گذاشتن داعش)	۴۹
		تمایل مردم به پیروزی دولت در عراق و استقرار آرامش	۵۰

## ۵- تجزیه و تحلیل علل تقابل و تعامل اهل سنت عراق با داعش

علل تعاملات و تعارضات مردمی با داعش در عراق چیست؟

علل تعاملات و تعارضات مردمی با داعش در پژوهش حاضر در چهار قسمت مقوله- محوری، علی، بسترها و شرایط مداخله‌گر دسته بندی شده‌اند که به شرح زیر بیان می‌گردند: مقوله محوری: مقوله محوری، ایده یا پدیده‌ای است که اساس و محور فرآیند است که تمام مقوله‌های اصلی دیگر به آن ربط داده می‌شوند. این مقوله، همان برچسب مفهومی یا عنوانی است که برای چارچوب طرح به وجود آمده، در نظر گرفته می‌شود که دو فاکتور مهم در این راستا شناسایی شده‌اند.

الف) عامل محوری تعامل با داعش (ترس از تسلط شیعه و ایران بر منطقه). به عنوان مثال؛ در مصاحبه‌ای گفته شد: «شیعیان در عراق مثل فرش زیر پای ما بوده‌اند؛ حالا چطور اجازه دهیم پتوی روی سر ما باشند؟» و یا در مصاحبه‌ای دیگر: «آن‌ها از ایران هم نفرت دارند و هم می‌ترسند، ولی آن‌ها مهم‌ترین دشمن را نه آمریکا و اسرائیل، بلکه ایران در عراق می‌دانند. نحوه برخورد نخست وزیران شیعه عراق با جایگاه اهل سنت، در دولت و نحوه هزینه‌کرد بودجه

کشور و شیوه برخورد با اعتراضات مناطق سنی‌نشین از عوامل تعامل با داعش بوده است. تحریک مردم توسط سیاستمداران دولتی اهل سنت؛ مثل طارق هاشمی به جهت فشار به نخست‌وزیر برای کسب امتیاز، از عوامل تعامل مردم با داعش بود. (به استناد دست‌آورد‌های پژوهش محقق حاضر در عراق)

ب) عامل محوری تعارض با داعش (شرایط نابسامان و فشارهای وارده به مردم پس از ورود داعش).

پس از انجام مصاحبه‌ها با افراد مختلف، معلوم شد که داعشی‌ها در ابتدای ورود، رفتارهای محبت‌آمیزی در بعضی مناطق داشتند؛ به‌خصوص در ارتباطشان با مردم عادی اهل سنت، اما پس از ماندگاری در منطقه، فشارهای مختلفی بر مردم وارد آوردند که این موارد باعث ایجاد حس تعارض در مردم نسبت به داعش شد؛ از جمله این موارد در مصاحبه‌های مختلف آمده است: «مردمی که می‌خواستند شهر را اداره کنند، به‌طور مداوم برای این کار وابسته به پول داعش شده بودند و بعد از مدتی پول داعش، رو به اتمام رفت. هم پول کم شد و هم ارزاق و مایحتاج مردم به شدت گران شد؛ مثلاً یک عدد صابون ۱۰ هزار دینار عراقی و یک کیلو شکر به قیمت ۵۰ هزار دینار عراقی به فروش می‌رسید و قیمت یک کیسه آرد، قیمتی هنگفت شده بود و این باعث نارضایتی و شکایت مردم گردید و بنای مخالفت و مبارزه با داعش را فراهم کرد؛ همچنین در مصاحبه‌ای آمده است: «بعد از این که داعش، ارتش عراق را از منطقه بیرون کرده بود و با کمک مردم بر منطقه مسلط شده بود، کم کم آن کمک‌های بی‌حساب کم شد و از مردم و کشاورزان، مالیات و ذکات مال دریافت می‌کردند». همچنین مصاحبه‌شونده‌ای دیگر می‌گوید: «زمانی که شیعیان از تلغفر خارج شده بودند و فقط اهل سنت در آنجا زندگی می‌کردند و ناگهان سخت‌گیری‌ها و اقدامات ظالمانه داعش در تلغفر، علیه مردم اهل سنت آنجا شروع شد» و یا در مصاحبه‌ای دیگر آمده است: «با ورود داعش، زندگی ما هم بهم خورد و تمام خانه‌های ما منفجر شد» و در پایان می‌توان گفت؛ فشارهایی از این موارد که داعش به مردم وارد می‌نمود، موجبات نارضایتی آنان پس از ورود داعش در منطقه را فراهم نمود. (به استناد دست‌آورد‌های پژوهش محقق حاضر در عراق)

مقوله علی: شرایط علی یا آنچه بعضی اوقات شرایط مقدم خوانده می‌شود، در داده‌ها اغلب با واژگانی مانند «وقتی»، «درحالی‌که»، «به سبب»، «به علت» و «چون» بیان می‌شوند. حتی وقتی که چنین نشانه‌هایی وجود ندارد، اغلب می‌توان با توجه به خود پدیده و با نگاه منظم به داده‌ها و بازبینی حوادث، اتفاقات یا وقایعی که از نظر زمانی مقدم بر پدیده مورد نظر است، شرایط علی را پیدا کرد. این شرایط باعث ایجاد و توسعه پدیده یا مقوله محوری می‌شود. این عوامل که از مصاحبه با جامعه نمونه بدست آمده است، شامل موارد زیر است:

الف) عوامل علی تعامل با داعش (تطمیع‌سازی، عدم تجهیز به سلاح، ناامیدی و عدم آگاهی مردم، تهدید از سوی داعش، تحریک مردم توسط علما و بزرگان سیاسی، مقصر دانستن برخی

مستولان شیعی و سنی، فتنه‌اندازی و جوسازی توسط داعش، سوءاستفاده از خصائل اخلاقی مردم در تعامل با داعش، وجود نمایندگان خائن به مردم در دولت و در بین نظامیان عراقی، ایجاد فرصت برخلاف دولت شیعی عراق، تطمیع و تهدید شیوخ عشایر توسط داعش، حس هم‌اعتقاد بودن مردم و داعش، عدم برخورد جدی دولت با افراد خاطی و نظامیان مفسد، عدم حمایت دولت از مردم در برابر داعش، تفکر بهبود وضع زندگی با وجود داعش). در مصاحبه‌ای گفته شد: «داعش خیلی سریع وارد منطقه شد و نیروهای دولتی عقب‌نشینی کردند و کسی نبود که از ما حفاظت کند و به ما کمک کند، ما چکار باید می‌کردیم؟» و یا در مصاحبه دیگری: «وقتی داعش حمله کرد، ارتشی‌ها سوار بر زره‌پوش‌ها، زودتر از مردم فرار می‌کردند، من با داعش مخالف بودم، ولی چه کسی به من و همسران و فرزندانم در جنگ با داعش کمک می‌کرد؟ ارتش؟؟ ارتش قبلاً فرار کرده بود و من تنها چطور مبارزه می‌کردم؟ آن‌ها من را سر می‌پریدند و همسرانم را تصاحب می‌کردند و فرزندانم را به اسیری می‌بردند. بایستی خیلی زود تصمیم می‌گرفتم». در بیشتر موارد، علمای مذهبی بر رؤسای عشایر فشار آورده و آن‌ها را در همکاری با داعش تحریک می‌کردند. مصداقی از آن در این مصاحبه آمده است: «علمای مذهبی، این تهدید را می‌کردند که اگر با داعش همکاری نکنید، برایتان خیلی بد خواهد شد. حتی بعضی از شیوخ عشایر که تمایل به همکاری با داعش را نداشتند، همین علمای مذهبی تهدید کردند و لذا عشایر از داعش استقبال می‌کردند» ولی در بیشتر موارد، رؤسای عشایر برای حفظ منافع خود سعی می‌کردند با داعش همکاری لازم را داشته باشند و در بعضی موارد هم آنان بنای جنگ و بی‌طرفی را در پیش می‌گرفتند. (به استناد دست‌آورد‌های پژوهش محقق حاضر در عراق)

اگر به شرایط امنیتی، اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و نرخ بیکاری مردم عراق در سال‌های منتهی به ۲۰۱۲ توجه داشته باشیم، متوجه می‌شویم که بر اثر جنگ ۱۹۹۱ کویت و تحریم ۱۳ ساله سازمان ملل متحد و بمباران‌های مکرر، زیرساخت‌های صنعتی، عمرانی و تأسیساتی عراق توسط نیروهای ائتلاف غربی طی این مدت، مردم عراق در شرایط ناگواری بسر می‌بردند؛ مخصوصاً بعد از اشغال عراق توسط آمریکا طی سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۱ و پس از دستور حاکم نظامی آمریکا مبنی بر انحلال ارتش و بعضی‌زدایی از دوایر دولتی و آغاز درگیری‌های نظامی در استان‌های سنی‌نشین، بیشترین فشار بر اعراب سنی عراق وارد گردید. در این پژوهش، پس از بررسی مصاحبه‌ها، مشخص شد که یکی از عوامل گرایش جوانان به داعش، نیاز به پول و علاقه به کسب قدرت بوده است؛ مثلاً در یکی از مصاحبه‌ها آمده است: «با جوانان از راه رفاقت و خوش‌صحبتی وارد می‌شدند و برای آن‌ها پول خرج می‌کردند و به آن‌ها حتی پول هم می‌دادند (پول‌های سعودی)»؛ یا در مصاحبه‌ای دیگر آمده است: «به هر جوان مسلحی که با داعش همکاری می‌کرد، ماهیانه ۴۰۰ دلار می‌داد». همچنین مصاحبه‌شونده دیگری می‌گفت: «آن‌ها جوانان منطقه را با دادن اسلحه و پول و با در اختیار قرار دادن ماشین

و تجهیزات، مجذوب می‌کردند و آن‌ها را تشویق می‌کردند که همراهشان شوند». در این زمینه، تاثیر زیادی روی جوانان داشتند. در یک مصاحبه گفته شد: «پسری روی پدرش به خاطر داعش اسلحه کشید». شاید به صورت واضح و مبرهن، مصاحبه‌ها دلیل تعامل با داعش را بیکاری جوانان عنوان نکرده‌اند، ولی نیازمندی جوانان نشان از فقدان اشتغال مؤثر آنان داشته که همین از عوامل گرایش آن‌ها به داعش بوده است. (به استناد دستاوردهای پژوهش محقق حاضر در عراق)

ب) عوامل علی تعارض با داعش (ازدواج اجباری دختران با داعشیان و تجاوز به زنان عرب غیرسنی، فشار و اذیت کارکنان دولت، تبعیض بین مردم توسط داعش، ناراحتی مردم از ورود جنگ به مناطق مسکونی و حریم شخصی‌شان). پس از انجام مصاحبات انجام شده، مشخص شد سیاست‌های سخت‌گیرانه‌ای که داعش در قبال بعضی از رؤسای عشایر داشته است، زمینه‌ساز مقابله آن‌ها با داعش شده است. در مصاحبه‌های مختلف، مشخص شد در مناطق سنی‌نشین، عشایر قدرتمند خودشان هم چند دسته، متکثر و متفرق بودند و نمی‌دانستند که چگونه بایستی رفتار کنند. عده‌ای از آن‌ها معتقد به جنگ با داعش هستند؛ چون داعش اقتدار و اختیارات آن‌ها را محدود کرده بود، اما برخی رؤسای عشایر هم مردم را در جنگ با داعش تحریک می‌کردند. (به استناد دستاوردهای پژوهش محقق حاضر در عراق)

مقوله بسترها: زمینه یا بستر حاکم عبارت است از: سلسله شرایط خاص که در آن استراتژی‌ها و کنش‌های متقابل برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد. این شرایط، بر کنش و تعاملات تأثیر می‌گذارد و تمیز آن‌ها از شرایط علی مشکل است. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها و یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند. این بسترها شامل موارد زیر است:

الف) عوامل بسترساز تعارض با داعش (فتوای مراجع مذهبی در تقابل با داعش) (نقش بازیگر خارجی)؛ فتوای مرجعیت شیعه در جهاد علیه داعش و دستور ایشان برای پذیرایی از اهل سنت آواره در موکب‌های اربعین حسینی، از عوامل تقابل با داعش بود. یکی از مصاحبه کنندگان می‌گوید: اگر فتوای مرجعیت شیعه نبود که نیروهای مردمی و ارتش عراق، مناطق اشغال شده داعش را آزاد کردند، هیچ‌وقت مردم سنی این مناطق، خودشان این کار را انجام نمی‌دادند؛ دیگری می‌گوید: بعد از فتوای مرجعیت شیعه بود که همه چیز برای آن‌ها بهم خورد و اگر آیت‌الله سیستانی نبود، عراق دیگر نبود. (به استناد دستاوردهای پژوهش محقق حاضر در عراق)

ب) عوامل بسترساز تعامل با داعش (مثبت نگری به خشونت و جنگ، نقش بازیگران خارجی)

مطالعه مرکز پژوهش‌های پپو<sup>۱</sup> با موضوع منازعات قومی - مذهبی در جهان، در سال ۲۰۱۹ منتشر و نشان داد که از سال ۲۰۱۵ به بعد، خشونت‌های قومی - مذهبی در ۳۸ کشور جهان، ۴۸٪ افزایش یافته که ۱۳ کشور از بین آن‌ها عرب هستند (Parker 2019). به نقل از سردارنیا، ۱۳۹۸). پژوهش حاضر، ضمن توجه به خشونت اعمال شده توسط بخشی از مردم عراق در هنگام همراهی با داعش، آن را به‌عنوان انگیزه تعامل مردمی با داعش بررسی می‌نماید. منابع تاریخ عرب، به‌ویژه ادبیات ایام‌العرب، نشان می‌دهند که جنگ نه تنها بخش عمده‌ای از زندگی عرب جاهلی بود، بلکه از ارکان و مقومات زندگی آنان به شمار می‌رفت. انگیزه‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی؛ مانند یافتن چراگاه و محل زندگی، تنگی معیشت و امید به یافتن غذا و غنیمت، انتقام و خونخواهی و مهم‌تر از همه عصبیت‌های قومی و قبیله‌ای، آتش جنگ را میان اقوام عرب به‌ویژه بادیه‌نشینان، برمی‌افروخت. اعراب، فراسوی نگاه اقتصادی به جنگ، جهت تأمین معیشت خود، آمال دیگری را در آن جستجو می‌کردند. آنان جنگ را نه تنها نوعی راهزنی و دزدی به حساب نمی‌آوردند، بلکه آن را همچون ورزشی محبوب که در آن قهرمانان قبیله از جایگاه والایی برخوردار بودند، می‌نگریستند؛ ضمن آن که برتری طلبی، کسب افتخار و شرافت، شجاعت، جوانمردی و در نهایت سعادت خود را در آن جستجو می‌کردند (دادفر، ۱۳۹۵: ۴۰). مرد میان‌سال عربی در عراق، به محقق این پژوهش گفت: ما اعراب اگر نجنگیم، مریض می‌شویم. جنگ برای ما لذت‌بخش است؛ به‌خصوص جنگی که در آن پیروزی قطعی باشد. در مصاحبه‌های دیگر، صحبت از کشتن افراد پس از شکنجه‌های سخت، مثله کردن قربانیان و تحقیر جنازه آنان با عریان کردن و لگد مال کردن مشاهده شده است.

امروزه در بسیاری از نقاط عراق هنوز این خصلت‌های دوران جاهلیت نه تنها دیده می‌شود، بلکه ارزشمند تلقی شده و به‌صورت علنی، تظاهرات آن به نمایش گذاشته می‌شود و جزو رسومات در زندگی روزمره درآمد و حتی در شهرها قابل مشاهده است؛ مثلاً تیراندازی در مراسم و میهمانی‌ها مرسوم است. حمل سلاح نوعی اظهار وجود و نمایش قدرت و توانایی خشونت است. محقق، شاهد جشن فارغ‌التحصیلی عده‌ای از جوانان دانشگاهی در عراق بوده است که سلاح کمری، حمایل لباس‌های فارغ‌التحصیلی خود کرده بودند. (به استناد دستاوردهای پژوهش محقق حاضر در عراق)

ایران در تقابل و اردن و عربستان و قطر در تعامل مردم با داعش نقش داشته‌اند. ترکیه به جهت بهره‌برداری از شرایط نابسامان داخلی عراق، در جهت اهداف اقتصادی و به‌منظور کسب امتیاز بیشتر از دولت تضعیف شده عراق، مستقیماً با داعش در ارتباط بوده است. نقش آمریکا در آماده‌سازی بستر ایجاد داعش، مسلم و در تقابل با داعش، منفعل و کم‌اثر و در فشار به



دولت عراق جهت تحمیل خواسته‌های خود مؤثر بوده است. (به استناد دستاوردهای پژوهش محقق حاضر در عراق)

شرایط مداخله‌گر: شرایط ساختاری است که از شرایط زمینه وسیع‌تر است و بر راهبردها تأثیر می‌گذارد. شرایط مداخله‌گر در راستای تسهیل یا محدودیت استراتژی‌ها در زمینه خاصی عمل می‌کنند. این شرایط مداخله‌گر شامل موارد زیر است:

الف) شرایط مداخله‌گر تعارض با داعش: بی‌اعتمادی به داعش در جوانب مختلف؛ از جمله دینی (دورنگی داعش‌ها)، اتحاد شیعه و سنی در تقابل با داعش. مصاحبه‌کنندگان مدعی بودند که آن‌ها با شعارهای کاملاً مذهبی و اسلامی آمده بودند، ولی در عمل، مردم تشخیص دادند که این‌ها بین حرف و عملشان فاصله است و راستگو نیستند؛ شیوخ مذهبی آن‌ها از عربستان دستور می‌گرفتند و فتاوی‌ای خود را با نگاه به عربستان صادر می‌کردند. از طرفی، رعایت نکردن عدالت در توزیع مواد غذایی، باعث بی‌عدالتی و دلسردی مردم می‌شد. داعش، بعضی شعارها و رفتارها را برای این که مردم را فریب بدهد، انجام می‌داد و در کنار آن‌ها، اعمال و نیات واقعی خود را پنهان می‌کرد که ما بعضی مواقع، متوجه آن عملکرد می‌شدیم. (به استناد دستاوردهای پژوهش محقق حاضر در عراق).

ب) شرایط مداخله‌گر تعامل با داعش: جنگ در استان‌های انبار، صلاح‌الدین، نینوا و کرکوک، زندگی فاجعه‌باری برای مردم سنی عرب عراق ایجاد کرد، تا جایی که تقریباً از هیچ‌کدام از معیارهای امنیت انسانی بهره‌مند نبودند. انزجار از حکومت در اثر عملکرد دولت در مناطق سنی‌نشین، رفتار محبت‌آمیز داعش در بدو ورود و رفع نیازهای مادی و سیاسی مردم و رعایت عدالت قضایی در محاکم داعش سبب‌ساز تعاملات مردمی با داعش بوده است. طبق مصاحبه‌های مختلفی که انجام شد، یکی از عوامل گرایش به سمت داعش، نداشتن نماینده واقعی بخش از اهل سنت عراق در حکومت عنوان شده است و در مصاحبه‌های مختلف این مورد عنوان شده است از جمله: «اهل تسنن کسی را ندارند که آن‌ها را راهنمایی کنند». همچنین در مصاحبه دیگری آمده است: «اهل سنت در عراق، مرجعیت سیاسی و مرجعیت دینی ندارند». (به استناد دستاوردهای پژوهش محقق حاضر در عراق)

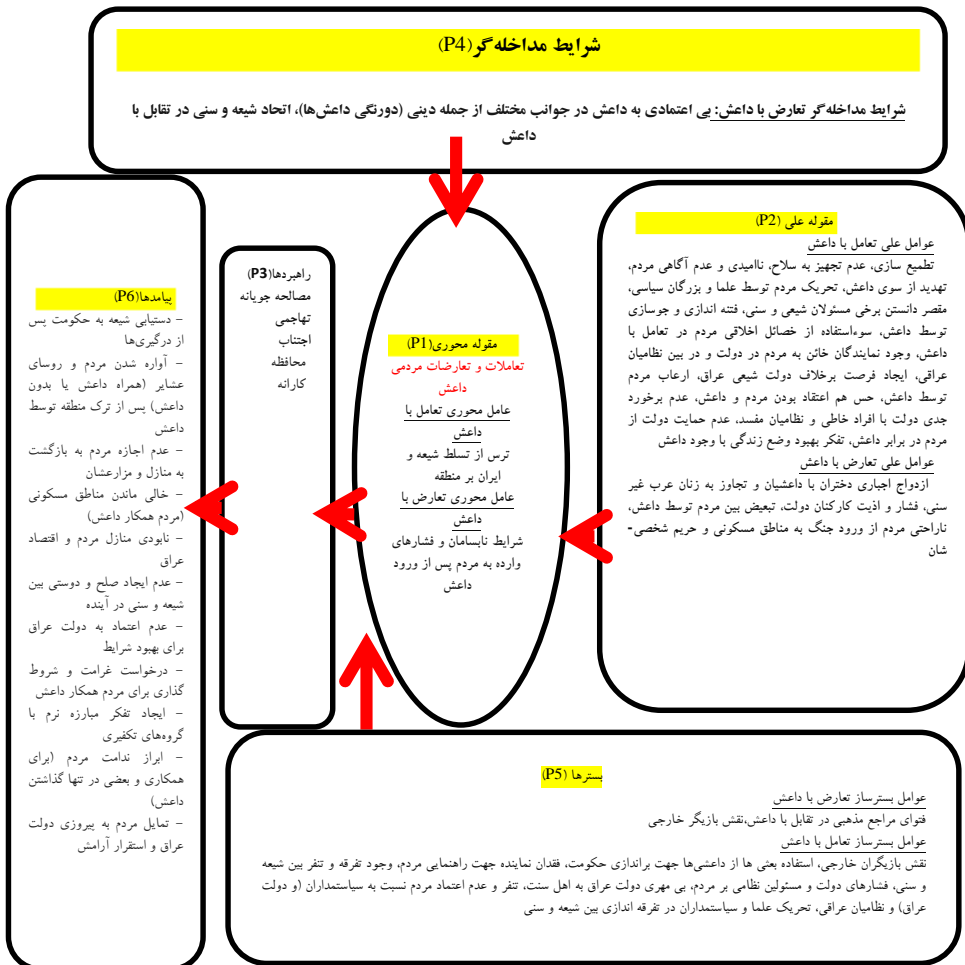
## ۶- تشریح مرحله نظریه‌پردازی

همان‌گونه که در مدل پارادایمی در زیر آمده است، مشخص شد یکی از محوری‌ترین عوامل تعامل با داعش (ترس از تسلط شیعه و ایران بر منطقه) و عوامل تعارض با داعش (شرایط نابسامان و فشارهای وارده به مردم پس از ورود داعش) است<sup>۱</sup> (PI). بدین منظور، مردم عراق به دلیل علل و عوامل تعامل‌ساز (تطمیع‌سازی، عدم تجهیز به سلاح، ناامیدی و عدم آگاهی

۱. دست‌آوردهای پژوهش به ۶ بخش کلی تقسیم گردید که هر بخش برای نمایش در مدل پارادایمی به حرف p و با شماره‌های ۱ تا ۶ مشخص گردیده است.

مردم، تهدید از سوی داعش، تحریک مردم توسط علما و بزرگان سیاسی، مقصر دانستن برخی مسئولان شیعی و سنی، فتنه‌اندازی و جوسازی توسط داعش، سوءاستفاده از خصائل اخلاقی مردم در تعامل با داعش، وجود نمایندگان خائن به مردم در دولت و در بین نظامیان عراقی، ایجاد فرصت برخلاف دولت شیعی عراق، ارباب مردم توسط داعش، حس هم‌اعتقاد بودن مردم با داعش، عدم برخورد جدی دولت با افراد خاطی و نظامیان مفسد، عدم حمایت دولت از مردم در برابر داعش، تفکر بهبود وضع زندگی با وجود داعش) و تقابل‌ساز (ازدواج اجباری دختران با داعشیان و تجاوز به زنان عرب غیر سنی، فشار و اذیت کارکنان دولت، تبعیض بین مردم توسط داعش، ناراحتی مردم از ورود جنگ به مناطق مسکونی و حریم شخصی‌شان) در صدد ایجاد تعامل و تقابل با داعش برآمدند (P2)، اما با وجود همه این عوامل تعامل و تقابل‌ساز که زمینه استقرار داعش را فراهم نمود، مردم عراق پس از مدتی از استقرار این گروهک و آشنایی بیشتر با آنان، با انجام راهبردهایی (مصالحه‌جویانه، تهاجمی، اجتناب، محافظه‌کارانه) در جهت پایداری یا عقب‌نشینی این گروهک گام برداشتند (P3). در این بین، عواملی دیگر تحت عنوان شرایط مداخله‌گر، شرایط مداخله‌گر تعارض با داعش (بی‌اعتمادی به داعش در جوانب مختلف؛ از جمله دینی (دورنگی داعش‌ها)، اتحاد شیعه و سنی در تقابل با داعش)؛ شرایط مداخله‌گر تعامل با داعش (رفتار محبت‌آمیز داعشی در بدو ورود و رفع نیاز مردم، رعایت عدالت دادگاهی توسط داعش) نیز سبب‌سازی این تعاملات و تقابل با داعش شد (P4). علاوه بر موارد گفته شده، عوامل بسترساز دیگری نیز زمینه‌ساز این تقابل شدند که شامل: عوامل بسترساز تعارض با داعش (فتوای مراجع مذهبی در تقابل با داعش)؛ عوامل بسترساز تعامل با داعش (نقش بازیگران خارجی، استفاده بعضی‌ها از داعشی‌ها جهت براندازی حکومت، فقدان نماینده جهت راهنمایی مردم، وجود تفرقه و تنفر بین شیعه و سنی، فشارهای دولت و مسئولین نظامی بر مردم، بی‌مهری دولت عراق به اهل سنت، تنفر و عدم اعتماد مردم نسبت به سیاستمداران (و دولت عراق) و نظامیان عراقی، تحریک علما و سیاستمداران در تفرقه‌اندازی بین شیعه و سنی) (P5). در پایان، تمامی این تقابل و تعاملات مردم عراق با داعش، پیامدهایی را برای آنان به دنبال داشت که شامل: استحکام حکومت شیعیان پس از فرار درگیری‌ها، آواره شدن مردم و رؤسای عشایر (همراه داعش یا بدون داعش) پس از فرار داعش، عدم اجازه مردم به بازگشت به منازل و مزارع، خالی ماندن مناطق مسکونی (مردم همکار داعش)، نابودی منازل مردم و اقتصاد عراق، عدم ایجاد صلح و دوستی بین شیعه و سنی در آینده، عدم اعتماد به دولت عراق برای بهبود شرایط، درخواست غرامت و شروط‌گذاری برای مردم همکار داعش، ایجاد تفکر مبارزه نرم با گروه‌های تکفیری، ابراز ندامت مردم (همکاری با داعش و تنها گذاشتن داعش)، تمایل مردم به پیروزی دولت در عراق و استقرار آرامش می‌باشد (P6).

همان‌طور که در مدل پائین ملاحظه گردید، تمامی مقوله‌ها ابتدا به‌طور کلی و طبق حوزه‌های مورد مطالعه تفکیک و سپس در قالب ۶ ستون اصلی شامل: مقوله‌های محوری، بسترها، پیامدها، شرایط مداخله‌گر، علی و راهبردها طبقه‌بندی شده‌اند. لذا در این بخش، از آنجا که تعداد مقوله‌ها نه تنها فراوان، بلکه بعضاً مشابه و متداخل نیز هستند، عملیات کدبندی محوری مجدداً انجام شده و تعداد محدود و انتزاعی‌تری از مقوله‌ها استخراج شده‌اند. سپس باید مجدداً مقوله هسته نهایی؛ یعنی انتزاعی‌ترین سطح مفهومی را انتخاب کرد که بتواند تمام مقوله‌های فوق را در بر گرفته و خصوصیت تحلیلی نیز داشته باشد. در نهایت، مدل زمینه‌ای نهایی حول مقوله هسته ترسیم می‌شود.



شکل (۱): مدل فرآیند علل تعاملات و تعارضات مردمی با داعش در عراق

## نتیجه‌گیری

نتایجی که از بررسی مصاحبه‌های انجام گرفته با اعراب سنی مذهب و کارشناسان عراقی حاصل شد، نشان از این دارد که چهار گروه از عوامل محوری، علی، بسترها و مداخله‌گر در ایجاد تعامل و تقابل با داعش، نقش داشته که در مدل (۱) ارائه گردید و مردم عراق جهت تعامل و تقابل با داعش راهکارهایی را نیز دنبال نمودند که در قالب ۴ راهکار (مصالحه‌جویانه، تهاجمی، اجتناب، محافظه‌کارانه) در مدل فوق ارائه شد و در نهایت تمامی این تقابل و تعاملات با داعش برای مردم داعش پیامدهایی را به دنبال داشت که در مدل مذکور نشان داده شده است. با توجه به اطلاعات کسب شده از مصاحبه‌ها و مشاهدات پژوهشگر که در مدل ۱ منعکس شده و همچنین بررسی اسناد در عراق و اخبار در بازه زمانی پژوهش، می‌توان به این نتیجه رسید که وجود دو کهن‌الگوی متعارض «شیعه در برابر سنی» و «عرب در برابر عجم» در تشدید بحران‌های داخلی کشورهای اسلامی، عربی و روابط آن‌ها با ایران دخیل است. عراق هم از این قاعده مستثنی نیست. در شرایط بحرانی حاکم بر عراق، وجود این دو کهن‌الگوی متعارض، عوامل محوری تعامل با داعش در عراق را به محرکی برای عوامل علی چون: دل‌بستگی اعراب سنی به اقتدار و امتیازات گذشته و عدم تمایل به پذیرش شرایط جدید حکومت و حفظ انسجام ملی عراق بر اساس انتخابات پارلمانی، حکمرانی نامناسب شیعیان، ناامیدی به آینده، نفرت از تشیع نزد بخشی از اعراب سنی، از دست رفتن موقعیت حکمرانی گذشته و ... در استقبال از داعش گردید. به‌علاوه، این دو کهن‌الگوی متعارض، عوامل بسترسازی؛ چون سوءاستفاده بعضی‌ها از داعش برای مقابله با دولت و شیعیان، تشدید اختلاف بین شیعه و سنی، بی‌توجهی دولت به اهل سنت و تحریک برخی سیاستمداران و رؤسای قبایل را فعال ساخت تا نسبت به داعش مشی تعاملی برگزینند.

داعش، پس از استقرار اگرچه در بدو ورود رفتاری محبت‌آمیز داشتند و تا حدی رویه‌های عدالت‌خواهانه را در پیش گرفتند، اما رفتار آن‌ها کم‌کم به تبعیض، دستور به ازدواج‌های اجباری و ورود به حریم خصوصی مردم و به‌طور کلی فشار اقتصادی و روانی انجامید. از این رهگذر، مردم سنی و شیعه عرب عراق متحمل بیشترین فشار و خسارت گردیدند و بی‌تردید مخالفت و تعارض با داعش را فراهم ساخت و با فتوای مراجع و بسیج نیروهای مردمی از سراسر عراق، موجبات شکست داعش رقم خورد. خصلت‌های جاهلی و تعصبات نژادی در کنار نیازمندی، فقر و احساس تحقیر مردم، از عواملی بود که اوضاع را پیچیده‌تر کرد و شرایط مداخله قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برای کسب منافع از طریق تأثیرگذاری بر حوادث عراق را فراهم نموده است. بنابراین، برطرف شدن اختلافات مذهبی شیعه و سنی و قومی کرد و عرب در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد. فراهم بودن زمینه مداخله قدرت‌های خارجی در عراق، نامناسب بودن شرایط اجتماعی و اقتصادی مردم، وجود دولت ناکارآمد، فساد اداری و

مالی گسترده، تکثر دیدگاه‌های گروه‌های شیعه و فقدان مرجعیت آگاه و مقتدر در بین اهل سنت، از عوامل شدت یافتن اختلافات آینده است.

## کتابنامه

- اسمیرنوو، پاول، ۱۳۸۷، عراق پس از صدام، مترجم: جبلی، مژگان، انتشارات وزارت امور خارجه، ۲۲۲.
- الفاهم زکریا، محمد. (۱۳۹۶). من در رقه بودم، تهران: نشر نارگل.
- انسلم، اشتراوس؛ کوربین، جولیت. (۱۳۹۱). مبانی پژوهش کیفی (فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای)، ترجمه: ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- پیرانی، شهره. (۱۳۹۸). محرومیت و فرسایش حاکمیت ملی در جامعه اسلامی عراق (۲۰۱۸ - ۲۰۰۳)، فصلنامه علمی مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۸(۲): ۲۷-۵۰.
- تودنهوفر، یورگن. (۱۳۹۴). ده روز با داعش از درون دولت اسلامی، تهران: نشر کتاب کوله-پشتی.
- جبار الاسری، عبدالامیر محسن (۲۰۱۵) نحونا استراتیجیه فی السیاسه الخاریجیه العراقیه بعد عام ۲۰۰۳، المجله السیاسیه والدولیه، السنه اتاسعه- العددان (۲۶-۲۷) شتاء ۲۰۱۴ - ربیع ۲۰۱۵.
- دادفر، سجاد. (۱۳۹۵) جنگ نزد عرب پیش از اسلام، فصلنامه مطالعات تاریخ جنگ، ۱(۱): ۱۹-۴۴.
- زارعان، احمد. (۱۳۹۴). بررسی عوامل گرایش جوانان کشورهای اسلامی به داعش، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ۱۶(۳): ۴۳.
- زرقاوی، ابومصعب (۱۴۲۷). کلمات مضمیئه، شبکه البراق الاسلامیه، الطبعة الاولى.
- سردارنیا، خلیل‌الله. (۱۳۹۸). خشونت‌های قومی-مذهبی در خاورمیانه عربی، فصلنامه مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۲(۱).
- سرمد، زهره. بازرگان، عباس. حجازی، الهه. (۱۳۹۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگه.
- علی، ابوبکر. (۱۳۹۵). داعش برآیند افراط‌گرایی دینی و شکست دولت، نشر واتا: سندج.
- گوردن، جیمز. (۱۳۹۲). جنگ پنهان: ایالات متحده و تحریم‌های عراق. ترجمه زهرا کسمتی. تهران: نشر نی.
- محمدپور، احمد. (۱۳۸۸). ارزیابی کیفیت در تحقیق کیفی: اصول و راهبردهای اعتباریابی و تعمیم‌پذیری، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۸: ۷۴-۱۰۶.
- مرکز الوطن لاستطلاع الرأی العام (۲۰۱۵) العراق والعالم فی الرأی العام، بغداد

منصوریان، یزدان. (۱۳۸۶). گراند تئوری چیست و چه کاربردی دارد، ویژه نامه همایش علم اطلاعات. اصفهان: دانشگاه اصفهان.

نادری فر، مهین. گلی، حمیده؛ قلجانی، فرشته. (۱۳۹۶). گلوله برفی، روشی هدفمند در نمونه-گیری تحقیقات کیفی. گام‌های توسعه در آموزش پزشکی. ۱۴(۳): ۱۷۱-۱۷۹.

نیاکوئی، سیدامیر؛ (۱۳۹۴). بررسی عوامل گسترش جریانات تکفیری در خاورمیانه ۲۰۱۵-۲۰۱۱، فصلنامه سیاست جهانی، ۴(۴): ۱۰۳.

## References

- Ali, Abu Bakr (2016). ISIL as a result of religious extremism and the defeat of the government, Vata Publishing: Sanandaj. (In Arabic)
- Al-Fahim Zakaria, Muhammad (2017). I was in Raqqa, Tehran: Nargol Publishing. (In Arabic)
- Al-Watan Center for Public Opinion Information (2015) Iraq and the World in Public Opinion, Baghdad. (In Arabic)
- Anselm, Strauss; Corbin, Juliet. (2012). Fundamentals of Qualitative Research (Techniques and Stages of Production of Background Theory), translated by Ebrahim Afshar. Tehran: Ney Publishing. (In Arabic)
- Barrett, Richard. (2014). The Islamic State, New York: The Soufan Group, 2014.
- Dadfar, Sajjad. (2016) War with the Arabs before Islam, Quarterly Journal of War History Studies, 1(1): 19-44. (In Persian).
- Gordon, James. (2013). Covert War: US and Iraq Sanctions. Translated by Zahra Kasmati. Tehran: Ney Publishing. (In Persian).
- Jabbar Al-Asri, Abdul Amir Mohsen (2015) Our Strategy in Foreign Policy in Iraq after General 2003, Al-Siyasiyya Al-Siyasiyya wa Al-Dawlahiyah, Al-Sunnah Al-Atsadah - Al-Addan (26-27) winter 2014 - spring 2015. (In Persian).
- Mansoorian, Yazdan. (2007). What is grounded theory and what does it do, special issue of the Information Science Conference. Isfahan: University of Isfahan. (In Persian).
- Mohammad pour, Ahmad (2009). Quality Assessment in Qualitative Research: Principles and Strategies of Validation and Generalizability, Social Science Quarterly, No. 48, pp. 74-106. (In Persian).
- Naderifar, Mahin. Goli, Hamideh; Qaljani, Angel. (2017). Snowball, a purposeful method in sampling qualitative research. Developmental steps in medical education. Volume Fourteen. Number three. 171-179. (In Persian).
- Niakoi, Sidamir; (2015). A Study of the Factors of the Expansion of Takfiri Currents in the Middle East 2015-2011, World Politics Quarterly, 4 (4), 103. (In Persian).
- Pirani, Shohreh. (2019). Deprivation and Erosion of National Sovereignty in the Islamic Society of Iraq (2003-2008), Scientific Quarterly of Political Studies of the Islamic World, Year 8, Issue 2, Summer 1398, pp. 27-50. (In Persian).

- Sardarnia, Khalilullah. (2019). Ethnic-Religious Violence in the Arab Middle East, Quarterly Journal of Fundamental and Applied Studies of the Islamic World, Second Year, First Issue. (In Persian).
- Sarmadm Zohreh. Bazargan, Abbas Hejazi, Elaheh. (2012). Research Methods in Behavioral Sciences. Tehran: Agah Publishing. (In Persian).
- Smirnov, Powell, 2008, Iraq after Saddam, Translator: Jebelli, Mojgan, Ministry of Foreign Affairs Publications (In Persian).
- Todenhof, Jürgen. (2015). Ten Days with ISIS from Within the Islamic State, Tehran: Publishing the Backpack Book. (In Persian).
- Zarean, Ahmad. (2015), A Study of the Factors of the Tendency of the Youth of Islamic Countries to ISIL, Quarterly Journal of Strategic Studies of the Islamic World, 16 (3), 43. (In Persian).
- Zarqawi, Abu Musab (1427/2007). Kalimat-e- Mazieh, Al-Baraq Al-Islamiya Network, First Edition.(In Arabic)